

# For the Common Good

(Sermon by Cheryl Williams, preached at Footscray Baptist on Pentecost Sunday, May 24<sup>th</sup>, 2026 – Acts 2:1-11 & 1 Cor 12: 4-14)

به پنطیکاست خوش آمدید.

پنطیکاست روزی است که ما تولد کلیسای مسیحی را جشن می‌گیریم. تولد همه مبارک.

قرائت ما از کتاب اعمال رسولان، کتابی که آثار رسولان، شاگردان و پیروان عیسی را پس از مرگ و رستاخیز عیسی ثبت می‌کند.

در قرائتی که امروز داریم، می‌بینیم که آن شاگردان اول از مخفیگاه خود بیرون می‌آیند و شروع به گفتن از آثار عیسی می‌کنند. آنها به همراه بسیاری دیگر از مکان‌های مختلف جهان شناخته شده، جشنواره هفته‌ها را جشن می‌گیرند که حدود هفت هفته پس از عید فصح برگزار می‌شد. در ابتدا، این نوعی جشنواره برداشت بود که در آن مردم اولین برداشت محصولات خود را به عنوان عملی شکرگزاری به خدا می‌آوردند. بعداً به جشنواره‌ای تبدیل شد که موسی را در حال آوردن لوح‌های سنگی حاوی شریعت جشن می‌گرفت. مسیحیان پنجاه روز پس از عید پاک، پنطیکاست را به عنوان روز عطای روح جشن گرفتند. این روز از چگونگی تجربه روح خدا توسط مردم در میان خود می‌گوید. قرائت اعمال رسولان که پیش روی ماست، از باد، آتش و زبان یا ارتباط سخن می‌گوید، از تجربه روح خدا توسط آنها در میان خود سخن می‌گوید. از سردرگمی، حیرت و شگفتی آنها سخن می‌گوید.

آیا تا به حال در یک ایستگاه راه‌آهن زیرزمینی منتظر قطار ایستاده‌اید؟ اولین نشانه رسیدن قطار، بادی است که در سکو احساس می‌کنید، درست قبل از اینکه قطار را ببینید و درست قبل از اینکه صدای رسیدن آن را بشنوید.

کلمه عبری برای روح، کلمه‌ای است که به معنای باد یا نفس کشیدن است - "روآخ". خدا نفس می‌کشد و نسل بشر آفریده می‌شود. به عنوان یک نکته فرعی، کلمه "روآخ" مونث است.

به طور مشابه، کلمه یونانی برای روح - "پنوما" نیز به معنای باد یا نفس کشیدن است.

کسانی که در آن روز اول پنطیکاست جمع شدند، روح خدا را به طرق قابل توجهی تجربه کردند که به عنوان باد و زبان توصیف می‌شود.

باد، در شعری از بیل لودر، شاید اینگونه توصیف شود:

باد، باد، تو از نیستی می‌آیی و به نیستی می‌روی،

و وقتی تو ساکن هستی،

چیزی نیست که ببینیم، چیزی نیست که بشنویم،

و تو ما را در ندیدن و ندانستنمان احاطه کرده‌ای.

و سپس:

باد، باد، باد شگفت‌انگیز،

در هنگام تولد خلقت شناور،

در میان شگفتی‌های زندگی جدید،

دانه را حمل می‌کند،

سر درختان تنومند را بالا می‌برد،

در میان علف‌ها می‌چرخد

زندگی را جشن می‌گیرد.

و کمی جلوتر:

باد، باد ملایم،

باد تنفس ما، زندگی ما،

امید ما،

نوسازی، طراوت،

آه کشیدن در استرس ما،

نالیدن در درد ما،

به نظر من، توصیف لودر از چگونگی تجربه باد واقعاً به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه می‌توانیم روح خدا را تجربه کنیم. من تصویر دیگری دارم که ممکن است مفید باشد - یک قاصدک. قاصدک‌ها در واقع فقط علف‌های هرز زرد کوچکی هستند که به نظر می‌رسد همه جا رشد می‌کنند. آنها به خاک زیادی نیاز ندارند و به اندازه گل و لای رایج هستند. پس از مدتی، این علف هرز زرد کوچک به یک توپ سفید کرکی تبدیل می‌شود که کودکان دوست دارند آن را بچینند و فوت کنند و روی آن آرزو کنند. هر قاصدک در واقع از گل‌های ریز زیادی تشکیل شده است که به هم پیوسته‌اند. پس از شکوفه دادن، هر گل ریز یک دانه تولید می‌کند و این دانه با تارهای سفید کرکی به ساقه‌ای متصل می‌شود - از این رو توپ سفید کرکی که می‌بینیم. سپس این دانه‌ها توسط باد حمل می‌شوند و مانند چتر نجات‌های کوچک حرکت می‌کنند - بنابراین بسته به قدرت باد، می‌توانند کیلومترها از گیاه مادر فاصله بگیرند.

قاصدک‌ها تصویر فوق‌العاده‌ای از زندگی در روح هستند و شاید بازتابی از آنچه در پنطیکاست اتفاق افتاد، باشند. قاصدک‌ها معمولی هستند و از گل‌های زیادی تشکیل شده‌اند که در کنار هم جمع شده‌اند، به هم وابسته، متحد و در عین حال منحصر به فرد هستند. آنها به توپ‌های سفید و پفداری تبدیل می‌شوند که آماده‌اند تا برای پخش و به اشتراک گذاشتن جوهره و پیام خود استفاده شوند. آنها با باد حمل می‌شوند و در مکان‌های نامحتمل و نامساعد ظاهر می‌شوند، جایی که خود را شاد، مقاوم و برانداز نشان می‌دهند.

آیا این کمی شبیه به این نیست که روح ما را تشویق می‌کند و قادر می‌سازد تا پیام عشق خدا را پخش کنیم؟ روش دیگری که مردم روح خدا را تجربه می‌کردند از طریق زبان بود. زبان خودشان، به روش‌هایی که می‌توانستند آنچه گفته می‌شد را درک کنند. من نمی‌خواهم سعی کنم توضیح دهم که مردم چگونه به زبان خودشان می‌شنیدند - شاید مردم برای دیگران ترجمه می‌کردند یا "حس" را درک می‌کردند یا حرکات و نشانه‌ها را می‌فهمیدند.

چیزی که می‌خواهم روی آن تمرکز کنم این است که زبان چه کاری انجام می‌دهد. زبان ارتباط برقرار می‌کند، معنا و درک مشترکی را فراهم می‌کند. من فکر می‌کنم پولس در نامه خود به قرن‌تیان در مورد نوع زبانی که برای انتقال انجیل نیاز داریم و اینکه چگونه روح می‌تواند ما را قادر و هدایت کند، راهنمایی‌هایی به ما می‌دهد.

پولس به ما می‌گوید که ما نیز از روح برخورداریم و این هدایا چه می‌توانند باشند و هدف آنها چیست. عطایای روح برای یک هدف ساده داده می‌شوند: ساختن پادشاهی، جامعه و استفاده برای خیر عمومی.

اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که روح، خدمات و فعالیت‌های متنوعی را امکان‌پذیر می‌کند، هیچ کس انحصار هیچ کس را ندارد، از طریق استفاده از همه آنها که توسط روح امکان‌پذیر شده‌اند، ما پادشاهی خدا را خواهیم ساخت، و شروع به دستیابی به خیر عمومی خواهیم کرد.

با نگاهی گذرا به فهرستی که او ارائه می‌دهد، عددی را می‌بینیم که مربوط به ارتباط واضح است.

- حکمت و دانش - دانستن آنچه فکر می‌کنیم، ارائه نکردن سخنان گیج‌کننده و مطمئناً نگفتن به مردم که چه باید فکر کنند، بلکه اجازه دادن به آنها برای رسیدن به نتیجه‌گیری‌های خودشان.
- نبوت - بیشتر شبیه گفتن حقیقت به قدرت است تا پیش‌بینی آینده.
- تشخیص - تشخیص تفاوت بین درست و غلط.

- صحبت کردن و تفسیر کردن - صحبت کردن به روش‌هایی که به مردم کمک می‌کند تا به شیوه‌ای که به آنها کمک می‌کند، درک کنند، احتمالاً به معنای کنار گذاشتن اصطلاحات تخصصی است که اغلب استفاده می‌کنیم و ساده کردن آنچه می‌گوییم. اینها مربوط به انتقال عشق به خدا، به روش‌هایی دلسوزانه، قابل فهم و معنادار هستند. این هدایا توسط روح هدایتگر و توانمندساز عطا می‌شوند.

به دیگران توانایی انجام کار شفا و عمل، شاید راه‌های عملی‌تر برای ابلاغ انجیل عشق، داده خواهد شد.

بنابراین، ای اعضای فوتسکری که از موهبت روح برخوردارید، مانند قاصدک‌ها بیرون بروید و اجازه دهید روح خدا شما را دگرگون کند و به مکان‌های بعیدی ببرد که در آنجا عشق خدا را هم در کلام و هم در عمل برای خیر همه ابلاغ می‌کنید. آمین.